



بررسی مولفه های حس مکان در ادراک محیط با رویکرد تحلیلی پدیدارشناسی

هادی المهدی تقوی^۱، شادی بایبوردی^{۲*}.

۱- دانشجوی دکتری، هیات علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد صوفیان، (Mehdi_taghavi@solfianiau.ac.ir)

۲- دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، (shadibaybordi@gmail.com)

چکیده

پدیدارشناسی واژه ای اساساً فلسفی است، چرا که برای نخستین بار فیلسوفان بودند که این واژه را جهت شرح موقعیت چیزها و وضعیت پدیدارشدن آنها به کار بسته اند. پدیدارشناسی در پی تحصیل و ترویج احکام و گزاره هایی سخت و بدین سان پی افکندن یک نظام فلسفی استوار به معنای کلاسیک آن نیست، بلکه بیشتر در پی فراهم آوردن اشارات و رهنمونیهایی نرم و منعطف برای فهم و ادراک محیط است. با توجه به اینکه امروزه مفهوم مکان و حس مکان یکی از مهمترین مسائل پیش روی شهرسازی معاصر است و در گذشته شهرها از توانایی بالایی برای برقراری تعامل بین انسان و فضا برخوردار بودند. اما امروزه در غالب شهرها فضاهایی ایجاد میشوند که فاقد تقلیدی از سایر نمونه هاست، این مقاله در پی آن است تا با مطالعه متون اصلی پدیدارشناسان در دو عرصه فلسفه و معماری، وضعیت پدیدارشناسی معماری و محیط را مورد توجه قرار دهد و در این پژوهش سعی شده با مطالعه مبانی مکان و حس مکان، به بررسی این موضوع پرداخته شود که در این راستا ابتدا پدیدارشناسی فلسفی که نقطه عزیمت پدیدارشناسان معماری بوده مورد بررسی قرار گرفته و با اشاره به تفاوت قرائت های پدیدارشناسان نشان داده می شود که چگونه هر یک بر حسب اهداف و دغدغه های خاص خود تلقی متمایزی از قابلیت ها و اهداف پدیدارشناسی دارند. در نهایت وضعیت پدیدارشناسی معماری و محیط در مقایسه با موقعیت پدیدارشناسی فلسفی مطالعه شده و خاطرنشان میگردد که این وضعیت عمدتاً متأثر از اندیشه های دو پدیدارشناس برجسته، مارتین هایدگر و موریس مرلوپوتی است.

واژه های کلیدی: پدیدارشناسی، حس مکان، محیط، فلسفه، ادراک